

از گزارش به دومین کنگره‌ی بین الملل سندیکاهای سرخ در باره ایران *

ایران کشوری است با مناسبات پدسالاری-فئودالی. از ۱۵ میلیون اهالی آن تقریباً ۲۱/۲ را عشایر تشکیل می‌دهد. با این وصف، جمعیت شهرها به ۳۱/۲ نفر می‌رسد. و نا درست خواهد بود اگر تصور شود که در ایران اصلاً کارگری وجود ندارد.

در معادن حوالی شهرهای تهران، تبریز، و مشهد، ذغال سنگ استخراج می‌شود. در جنوب و غرب ایران ایران صنعت نفت نسبتاً وسیعی وجود دارد، در بسیاری از نقاط سنگ نمک استخراج می‌گردد. در رشت و سایر نقاط ایالت گیلان تاسیسات ماهیگیری بر قرار است که در آنها تعداد زیادی کارگر به کار اشتغال دارند. و بالاخره، ایران، بطوریکه همه می‌دانند، صنعت فرش بافی مهمی را داراست. در شهرهایی چون تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، رشت و انزلی توده‌ی نسبتاً متمرکز کارگری وجود دارد که منحصرأ از دستمزد کار خود می‌زیید و منبع درآمد دیگری ندارد. اگر تعداد کثیر کارمندان جزء حکومتی و مؤسسات خصوصی و صنعتگران نیز در نظر گرفته شوند، آنگاه توده عظیمی از پرولتاریا و نیمه پرولتاریا بدست خواهد آمد.

وضع کارگر ایرانی رقت انگیز است. یک کارگر در مقابل کار روزانه ۱۴ ساعته یا بیشتر ماهانه بطور متوسط ۸ تومان (۴ مارک = ۱ تومان) دریافت می‌دارد. کار زنان و کودکان در سطح بسیار گسترده‌ای متداول است. در کارخانجات قالی بافی و دخانیات کودکان حتی شش ساله نیز بچشم می‌خورند. تا دوران اخیر هیچ قانون کاری وجود نداشت. در سال ۱۹۲۱ قانونی به تصویب رسید که موافق آن کار کودکان زیر هشت سال در صنایع فرسافی ممنوع گردید.

اما دشوار بتوان گفت که حتی چنین قانونی قابل اجرا باشد.

دستمزد ناچیز و روز کار طاقت فرسای طولانی و همچنین وضع عمومی زندگی، مهاجرت وسیع کارگران ایرانی را که دسته دسته میهن را ترک می‌گویند و در جستجوی کار به ترکیه، قفقاز و مصر و حتی آمریکا کوچ می‌کنند سبب می‌گردد.

نخستین جنبش کارگری ایران بسال ۱۹۰۶ آغاز گردید، هنگامیکه نخستین انقلاب روسیه انعکاس مآثر در ایران بجا گذاشت. با پیروزی ارتجاع در روسیه این جنبش نیز که تازه آغازیده بود، فروکش نمود و پس از ۱۵ سال تجدید حیات کرد و این بار نیز تحت تاثیر مستقیم انقلاب اکتبر در روسیه پیشتازان جنبش سندیکانی در ایران کارگران چاپخانه‌های تهران بودند. در سال ۱۹۱۸ اینان طی یک اعتصاب ۱۴ روزه برای روزکار ۸ ساعته و حق قرارداد جمعی مناسب مبارزه کردند. تحت تاثیر این پیروزی کارگری، در حرف دیگر نیز اتحادیه‌های کارگری بوجود آمدند؛ در حال حاضر ۱۵ اتحادیه کارگری با جمعاً ۱۲ هزار عضو در تهران وجود دارند.

مهمترین این سندیکاها عبارتند از: کارگران دخانیات ۲۵۰۰۰ نفر؛ خبازان ۱۸۰۰؛ خیاطان، ۲۰۰۰ نفر؛ کارگران شهرداری، ۵۰۰ نفر؛ کارگران نساجی ۲۰۰ نفر.

همه این اتحادیه‌ها یک دبیرخانه مشترک دارند که طی سال گذشته تعداد زیادی اعتصاب را رهبری کرد (کارگران نساجی، چاپخانه‌ها، پستچی‌ها، آموزگاران، و خبازان). این اعتصاب در تهران ظاهراً با پیروزی کارگران پایان یافت. کارگران دیگر شهرهای ایران که از طریق این پیروزی و همچنین بشکراانه تبلیغاتی دبیرخانه [شورای متحده] برانگیخته شده بودند، علاقه زیادی نسبت به جنبش سندیکانی از خود نشان می‌دهند، و دبیرخانه نیز در حال حاضر تاسیس تعداد دیگری اتحادیه‌های کارگری (کارگران ساختمان، نجاران، کارمندان حکومتی) را شهرستان‌ها بعهده می‌گیرد.

* Leo Heller, GEWERKSCHAFTLICHE BEWEGUNG IN DER KOLONIEN UND HALB-KOLONIEN DES OSTENS, 1923, seiten 21-23.

منبع: اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد ۶، چاپ دوم، انتشارات
مزدک، فلورانس، ایتالیا، ۱۹۷۴. ص ۱۱۹-۱۱۸.
ترجمه: انتشارات مزدک.
بازنویس: روبرت هاکوپیان، اسفند ۱۳۸۲.

<http://www.marxists.org/farsi>
farsi@marxists.org